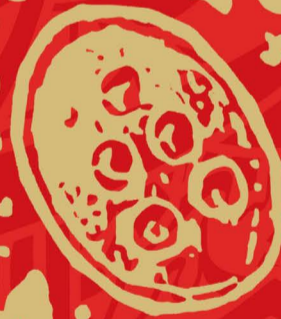


قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا مِنْ سَيِّدٍ وَلَا مَرْبُوبٍ إِلَّا فِيهِمَا

پیژده نامه محرم - شماره اول



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
روابط عمومی



باز این پورسان در خلق عالم است باز این چه نوحه و چه عزایم است

آداب ورود به ماه محرم

شود. مثل خورشید که یکی بیشتر نیست، ولی هر روز طلوع می‌کند و اگرچه یک خورشید است، تابش امروزش با دیروز فرق دارد. عاشورا هم همین طور است.

این مطلع الفجر عالم که هم ظهور و هم عاشورا است، یکی است، ولی هر سال تکرار می‌شود. محرم تکرار آن حادثه و تجلی مجدد عاشورا است.

لذا در روایت آمده است که امام رضا (ع) فرمود: «محرم که می‌رسید، کسی لبخند بر لبان پدر من نمی‌دید و روز عاشورا روز حزن ایشان بود.»

محرم واقعاً یک رستاخیز است. به قول محتشم کاشانی:
باز این چه شورش است که در خلق عالم است
باز این چه نوحه و چه عزایم است
باز این چه رستخیز عظیم است که از زمین
بی نفخ صور خاسته تا عرش اعظم است

با شروع محرم، حیات مجدد و نفحه ای از نفحات عاشورا در عالم دمیده می‌شود: «ان لربکم فی ایام دهرکم نَفحاتٌ أَلْفَتَعَرَّضُوا لَهَا» [۲] یکی از این نفحات، تکرار محرم است.

حقیقتاً نسیمی از آستان مقدس و از نقطه عزیمت سیدالشهدا می‌وزد و باید خود را در معرض آن قرار بدهیم.

محرم ظرف زمانی حادثه عاشورا و به یک معنا وادی طوی است. انسان وقتی وارد این وادی می‌شود، باید همه تعلقاتش را کنار بگذارد و در این صورت است که می‌تواند ده روز با امام حسین (ع) سیر کند و در روز عاشورا جزو یاران حضرت و کسانی که پیش روی امام خون دادند، قرار گیرد.

بنابراین، ادب ورود به محرم هم این است که «فَاخْلَعْ

۱. ماه محرم، ماه جدا شدن از تعلقات و وابستگی‌ها در روایتی در کافی شریف در باب زیارت امام حسین (ع) نقل شده که ما چند نفر در محضر امام صادق (ع) بودیم: یونس بن ظبیان، مفضل بن عمر و دیگران. یونس بن ظبیان به عنوان بزرگ ما، به حضرت عرض کرد: «ما سیدالشهداء را چگونه زیارت کنیم؟»

حضرت فرمود: «هر وقت ایشان را یاد کردید سه بار بگویید «صَلِّی اللّهُ عَلَیْکَ یا اَبَا عَبْدِ اللّهِ!». این سلام از دور و نزدیک به ایشان می‌رسد.» بعد حضرت آداب زیارت را فرمودند که از فرات غسل کنید و پابرنه باشید؛ چون اینجا یکی از حرم‌های خداست. [۱]

در فضای کربلا که حرم خداست، باید پابرنه باشیم و نگرانی‌های مان را کنار بگذاریم تا متنعم شویم و تجلیات الهی به ما برسد؛ چون کربلا سرزمینی مملو از تجلیات است.

کسی که به زیارت امام حسین (ع) می‌رود، «کَمَنْ زَارَ اللّهُ» است و گویا به لقاءالله می‌رسد. در روایات است که هر شب جمعه و به هر کیفیت، ائمه (ع) در کربلا در معرض تجلیات الهی هستند.

این سرزمین حرمت ظاهری و باطنی دارد، ساحت ولایت امام و توحید و تجلیات ربوبی است. درباره ماه محرم هم این مسئله صدق می‌کند. این ماه ظرف زمانی حادثه عظیم عاشورا است و به تعبیر بعضی بزرگان هرچه سرّ بوده در این عبادت بزرگ افشا شده است.

ماه محرم تکرار زمانی حادثه ای است که هرچند فقط یک بار در عالم اتفاق افتاده، ولی تجلیاتش هر سال تکرار می‌

باز این پیوست که حلقه‌هاست باز این چه چه و چه نام است

در اطراف امام حسین (ع) بودند، در مواردی حتی تا کربلا هم با ایشان آمدند، اما طبق نقل، شب دهم رفتند. آنان وقتی با تعلقاتشان آمدند، نتوانستند با حضرت بمانند.

امام آنها را به ابدیت و فضای مطلق دعوت می‌کرد و می‌خواست آنها را به مقصد برساند. عاشورا شب قدر بود و آنهایی که سیر کردند، به سرچشمه رسیدند. ولی برای عده ای، تعلقات حجاب شد.

ضحاک مُشرقی با امام حسین (ع) بیعت هم کرد، اما گفت: «تا جایی که امید پیروزی هست، با شما هستم. هر زمان که قطعی شد که پیروز نمی‌شوید، آیا اجازه می‌دهید من بروم؟» حضرت فرمود: «اشکال ندارد.» او اسب تندروی خودش را پنهان کرده بود و ظهر عاشورا به امام عرض کرد: «من به عهده عمل کردم و امید پیروزی نیست. همه رفتند. بروم؟»

حضرت فرمود: «برو.» این شخص، امام حسین (ع) را به شرط پیروزی می‌خواهد! نمی‌گوید ایشان خودش فتح الفتوح است؛ تعلقات، او را از امام جدا می‌کند و حجاب‌ها، مانع حیات مطلق او می‌شود.

پس در اولین قدم باید خلع نعل کرد. اگر نتوانیم در فضای محرم از تعلقات و تعینات دست برداریم، بعید است که در روز عاشورا، لا اقل در نیت، بتوانیم در صف اصحاب سیدالشهدا قرار بگیریم و جان خود را تقدیم کنیم.

در زیارت جامعه ائمة المؤمنین، جمله ای آمده که اگر ما در صفین، جمل، نهروان یا کربلا نبودیم، بالنیات و القلوب در کنار شما هستیم.

این حضور با نیت و قلب، وقتی است که انسان به امام

تَعَلِّیک» باشیم. چون دوباره نسیم محرم می‌وزد و این دعوت امام حسین (ع) نو می‌شود که: «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي هَلْ مِنْ ذَاتٍ يَذُبُّ عَن حَرَمِ رَسُولِ اللَّهِ». در ماه محرم این «داعی الله» دوباره ما را صدا می‌زند و حقیقتاً دعوتش را نو می‌کند. همچنان که ما هر روز صبح، دعای عهد می‌خوانیم و با امام زمان (عج) تجدید میثاق می‌کنیم.

این تجدید میثاق، یک طرفه نیست. اگر آن حضرت دعوتی نداشته باشد، تجدید عهد بی‌معناست. گویا هر روز حضرت ما را از نو به وادی ولایت خود دعوت می‌کند و با ما عهد می‌بندد.

محرم هر سال هم همین‌گونه است. در زیارت سیدالشهدا در روز اول رجب که بسیار فوق‌العاده است و در ایام دیگر هم رجائاً خوانده می‌شود، به حضرت عرضه می‌داریم: «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ عَدَدَ مَا فِي عِلْمِ اللَّهِ، لَبَّيْكَ دَاعِيَ اللَّهِ...».

در روز اول ماه رجب، که آغاز سه ماه ضیافت، یعنی رجب و شعبان و رمضان (ماه ولایت و ماه نبی اکرم (ص) و ماه خدا) است، با این زیارت امام حسین (ع) وارد می‌شویم.

گویا میزبان این سه ماه سیدالشهداست. با تکرار این دعوت، آن را اجابت می‌کنیم و به حضرت عرضه می‌داریم: «...إِنْ كَانَ لَمْ يَجِبْكَ بَدَنِي عِنْدَ اسْتِغَاثَتِكَ وَ لِسَانِي عِنْدَ اسْتِئْصَارِكَ فَقَدْ أَجَابَكَ قَلْبِي وَ سَمْعِي وَ بَصَرِي»: اگر در آن موقع برای کمک به شما در کربلا نبودم که با زبان و بدن، دعوت شما را اجابت کنم، حالا چشم دل من دیده، گوش جانم شنیده و قلبم به شما تعلق پیدا کرده است.

بنابراین، تکرار محرم طلوع جدیدی از عاشورا است. در این وادی قدسی باید خلع نعل کنیم و خوف و غصه و تعلقاتمان را کنار بگذاریم و سپس وارد بشویم. آنهایی که با تعلقاتشان

باز این پورسان در حلقه عاشر است باز این چه چه و چه نام است

این خیلی مهم است که انسان با قلب و بدون حجاب، کنار اصحاب حضرت باشد، ولو اینکه موانع زمانی وجود داشته باشند.

۲. بکاء و عزا، همراه با احساس بدهکاری، نه طلبکاری نکته دوم در آداب ورود به ماه محرم این است که وقتی وارد این وادی ضیافت می شویم و به هر نحوی اشک می ریزیم و در حد توان خدمت و اقامه عزا می کنیم، باید آداب خدمتگزاری و سربازی حضرت را رعایت کنیم والا زمینگیر می شویم.

اینکه حضرت، شب عاشورا به اصحاب، و حتی نقل شده که به بنی هاشم، فرمودند که بروید و مرا با این زن و بچه بگذارید، برای این نبود که امام حسین (ع) می خواست گران فروشی کند؛ بلکه می خواست این توجه پیدا بشود که امام محتاج نیست.

اگر ما این نکته را نفهمیم ضرر می کنیم، ولی اصحاب عاشورا اگر نفهمند خیلی ضرر می کنند و صحنه عاشورا خراب می شود.

یعنی اگر کسی در روز عاشورا جانش را بدهد، خیال کند که اوست که به امام حسین کمک می کند و باری را برمی دارد، اما متوجه نباشد که هر نفر در جبهه امام، باری بر دوش ایشان می گذارد.

البته فکر نکنیم که اگر ما طلبکاری کردیم حضرت به ما لطف نمی کند! گاهی بعضی ها به نقطه ای می رسند که توانشان تمام می شود و با حضرت گروکشی می کنند؛ به حرم می رود و می گوید دیگر نمی آیم! گاهی احياناً بزرگان این گونه بودند، ولی این کار، بُرد نیست و حضرت هم البته لطف می کنند.

حسین (ع) می رسد و دیگر همه چیز را فراموش می کند. کسی که در کنار ایشان به یاد گذشته و آینده ها و در گرو آرزوهای طولانی است، نمی تواند مهاجر الی الله باشد و با حضرت سیر کند.

به همین جهت است که آن حضرت از مکه که آمدند در خطبه شان فرمودند: «مَنْ كَانَ فِينَا بَاذِلًا مُهْجَتَهُ وَ مُوْطِنًا عَلَى لِقَائِنَا نَفْسَهُ فَلْيَرْحَلْ مَعَنَا»؛ کسی که حاضر است خون دلش را در راه ما بدهد و آماده لقاء الله است، با ما همراه شود. چون بین ما و لقاء الله فاصله ای نیست.

درست است که «انَّ الرَّاحِلَ الْيَكِ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ»، ولی کوچ کردن به سمت خدا این مقدمات را می خواهد و مقدمه اش همین «بَاذِلًا فِينَا مُهْجَتَهُ مُوْطِنًا عَلَى لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ» است وگرنه انسان، طالب حقیقی نیست.

پس نکته اول در آداب ورود به ماه محرم این است که ان شاء الله خدا روزی کند و در این ایام، راحل بشویم و تعلقات خود را کنار بگذاریم و وقتی وارد وادی عاشورا می شویم و دعوت سیدالشهداء (ع) نو می شود، لااقل خودمان را به این نسیم رحمت خدا برسانیم و ان شاء الله حضرت آن ته مانده های تعلقات ما را هم تطهیر کنند.

امام حسین (ع) آنهایی را که آمدند، تا آخرین لحظه هم رها نکردند، بالای سرشان رفتند و شب و روز عاشورا سیرشان دادند، والا عبور از وادی دنیا به سمت مقاماتی که آنها رسیدند، ممکن نبود. با وزش نسیم محرم، دعوت حضرت نو می شود.

اگر بدون تعلقات در کنار ایشان ماندیم، شفاعت حضرت موجب سیر ما می شود و ان شاء الله در روز عاشورا می توانیم هرچند در نیت و قلب، جزو ملحقین به اصحاب سیدالشهدا باشیم.

باز این پورسان در حلقه عالم است باز این چه چه و چه نام است

ولی می دانست این کار، تمام قیمت با امام حسین بودن نیست؛ گوهر امام حسین (ع) خیلی ارزشمندتر از آن است که با دادن این جان و وفاداری بتوانی به آن برسی، مگر به تو لطف کنند. اینها شرمنده و نگران رو به خدا می آورند: «يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَ قُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ» [۳]

بنابراین برای خدمتگزاری و همراهی با حضرت در این دهه، اول باید تعلقات را کنار بگذاریم و احساس کنیم چیزی که با در کنار حضرت بودن می خواهیم به دست بیاوریم، قابل مقایسه با آنچه می دهیم نیست.

احساس طلبکاری، خسارت ماست. خدای متعال در قرآن به وجود مقدس نبی اکرم (ص) می فرماید: «ای پیامبر ما! خذ من اموالهم صدقةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ...» [۴] از اموالشان صدقه بگیر که تطهیرشان می کنی و رشد و نمویشان می دهی.» وقتی با پیامبر (ص) داد و ستد می کنند، پاک می شوند، ولی «... وَ صَلَّ عَلَيْهِمْ أَنْ صَلَوَاتِكَ سَكُنَ لَهُمْ»: صلوات هم بر آنها بفرست، چون به آرامش می رسند.

به قلم: آیت الله سید محمد مهدی میرباقری

یکی از بزرگان می گوید: «برای توسل و عرض حاجتی محضر حضرت رفتم. کتابی می خواستم و دنبالش می گشتم، اما پیدا نمی شد. آقایی به آنجا آمده بود و یک حاجت دنیایی داشت. بار دوم که رفتم، دیدم همان آقا از حضرت بابت حل مشکلش تشکر می کند، ولی قصه من هنوز لاینحل باقی مانده بود. باگله به حضرت عرض کردم: آقا اینها دنیا می خواهند، به آنها می دهید.

من برای دفاع از شما کارم متوقف بر این کتاب است. ظاهراً حضرت در خواب به او فرموده بودند که ما ظرفیت افراد را ملاحظه می کنیم و درخواست بعضی ها را زودتر می پذیریم.

ایشان می گوید مدتی بعد تصادفاً یک کسی گفته بود که همسر من فوت کرده و یک سری کتاب های قدیمی دارد.

بینید به درد شما می خورد؟ و همان کتابی که پیدا نمی شد، در بین آنها بود و به دستم آمد. پس، ممکن است انسان در یک جایی گله کند و امام هم مثل پدری مهربان دست آدم را بگیرد و درخواستش را رد نکند.

آنهايي رشد می کنند که همه هستی شان را می دهند و خودشان را بدهکار می دانند. محبتین یعنی آنهايي که به حالت انکسار می رسند و می فهمند که هیچ چیزی ندارند و دستشان برای رسیدن به خدا و اولیا خالی است، وقتی همه سرمایه شان را می آورند، با این حال، شرمسار و خجالت زده اند؛ چون می دانند چیزی را که می خواهند، با این سرمایه قابل مقایسه نیست!

پی نوشت ها:

- [۱] الکافی، ج ۴، ص ۵۷۵.
[۲] عوالی اللئالی، ج ۴، ص ۱۱۸.
[۳] مؤمنون: ۶۰.
[۴] توبه: ۱۰۳.
- سعید بن عبدالله در ظهر عاشورا و بعد از اینکه تیرها به بدنش اصابت می کنند تا حضرت نمازشان را تمام کنند و سپس روی زمین می افتد، به آن حضرت عرضه می دارد: «هل اوفیت: آیا وفا کردم؟» او همه توانش را به کار گرفت،

